

## فیش منبر؛ بخل و حسد ریشه گناهان

### ویژه ایام فاطمیه

حضرت زهرا سلام الله علیها درباره رذیله بخل می فرمایند: «قَالَ لِي أَبِي رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِيَّاكَ وَالْبُخْلَ؛ فَإِنَّهُ شَجَرَةٌ فِي النَّارِ وَأَغْصَانُهَا فِي الدُّنْيَا، فَمَنْ تَعَلَّقَ بِغُصْنٍ مِنْ أَغْصَانِهَا أَدْخَلَهُ النَّارَ.»<sup>۱</sup>

ترجمه: پدرم رسول خدا(ص) به من فرمود: «مبادا بخل بورزی؛ چرا که بخل، درختی است در آتش [دوزخ] که شاخه هایش در دنیا هستند و هر کس به شاخه ای از شاخه های آن در آویزد، او را به آتش، وارد سازد.»

همچنین در روایت دیگری فرمودند: «قَالَ لِي أَبِي رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِيَّاكَ وَالْبُخْلَ؛ فَإِنَّهُ عَاهَةٌ لَا تَكُونُ فِي كَرِيمٍ»<sup>۲</sup>

ترجمه: پدرم رسول خدا(ص) به من فرمود: «مبادا بخل بورزی؛ چون بخل آفت است و این آفت در بزرگوار نیست.

حدیثی که در آن، متکلم و مخاطب، هر دو معصوم باشند شرافت بسیار زیادی دارد؛ آن هم یکی پیامبر اکرم ص، اول مرد عالم، و دیگری حضرت زهرا س، اول زن عالم.

بخل در لغت، به معنای دشوار بودن بخشش است. برخی دیگر نیز گفته اند: منع از چیزی است که ادای آن، واجب است. در معنای دیگری نیز گفته شده که: خودداری از اعطای مال به سائل است. معنای اول و دوم، معنای سوم را نیز در بر می گیرد. معنای دیگر بخل عبارت است از: خودداری از پرداخت مال واجب.<sup>۳</sup> معنای دوم، جامع ترین معناست. جایی که انسان لازم است چیزی را بپردازد، اما نپردازد، مرتکب بخل شده است.

<sup>۱</sup> دلائل الإمامة: ص ۷۱ ح ۹

<sup>۲</sup> دلائل الإمامة: ص ۷۱ ح ۹

<sup>۳</sup> همه این معانی به نقل از تفسیر المیزان و مجمع البیان در کتاب تفسیر واژگان قرآن کریم، ص ۴۶ و ۴۷ آمده است.

خداوند متعال دربارهٔ بخیل می‌فرماید: «و اما مَنْ بخل و استغنی و کذب بالحسنى فسئیسره للعسرى و ما یغنى عنه ماله إذا تردى» (سوره لیل / آیات ۸ تا ۱۱) ترجمهٔ آیه مطابق توضیحات علامه طباطبایی ره از این آیه چنین می‌شود: کسی که بخل می‌ورزد و آنچه را که باید پردازد نمی‌پردازد و می‌خواهد از راه جمع کردن مال و نپرداختن آن، به ثروت و بی‌نیازی برسد و وعدهٔ خداوند بر پاداش را تکذیب می‌کند، ما توفیق عمل صالح به او نمی‌دهیم و عمل صالح را در نظرش سنگین می‌کنیم. چنین کسی وقتی در ورطهٔ هلاکت در قبر یا جهنم می‌افتد مال او به چه کارش می‌آید؟<sup>۴</sup>

از روایت حضرت زهرا س و آیات مذکور این چنین می‌فهمیم که بخل موجب ایجاد نقصان در روح آدمی می‌گردد. انسان می‌پندارد با نپرداختن آنچه که باید پردازد، نقصی را از خود دور می‌کند و از آن نقص، رهایی می‌یابد؛ حال آن که چنین نیست. اعطای مال موجب برکت در مال در دنیا و موجب وسعت روح انسان و سعادت‌مندی در قیامت می‌شود. دلیل مطلب این است که روح انسان، حقیقتی از جنس عالم ملکوت و بلکه بالاتر از آن، لاهوت دارد؛ «نفخت فیه من روحی» به همین دلیل دائماً میل به عالم بالا دارد؛ زیرا به تعبیر امام باقر ع: «کل شیء یرجع إلی اصله و جوهره و عنصره»<sup>۵</sup> هر شیئی به اصل و جوهر و مایهٔ خویش باز می‌گردد. همچنین حضرت امیر ع فرمودند: «کل شیء یمیل إلی جنسه»<sup>۶</sup> مولانا در این باره چنین سروده است: «هرکسی کو دور ماند از اصل خویش / باز جوید روزگار وصل خویش» همچنین در بیت دیگری می‌گوید: «جزءها را روی‌ها سوی کل است / بلبلان را عشق با روی گل است» خلاصه این که انسان از جنس عالم بالاست و میل او نیز به سمت عالم بالاست؛ اما زر و سیم و ثروت، از جنس عالم ماده هستند؛ به همین دلیل دائماً انسان را به سمت پایین می‌کشند. جنس انسان از عالم ماده نیست؛ به همین دلیل هر آنچه که او را به سمت عالم ماده بکشاند او را از حقیقت خود دور ساخته و موجب نقصان در روح او که حقیقت اوست می‌شود. به همین دلیل انسان باید به مال و ثروت به اندازهٔ مقدار ضرورت پردازد.

به عبارت فلسفی، حرکت ذاتی و سرشتی انسان به سمت عوالم بالاست و گرفتار شدن او در سیم و زر، او را به حرکتی مخالف با سرشت خود می‌کشاند. حرکتی که مخالف سرشت یک موجود باشد را حرکت

<sup>۴</sup> المیزان، ذیل آیات سوره لیل

<sup>۵</sup> بحار الأنوار، ج ۶۴، ص ۱۰۶

<sup>۶</sup> میزان الحکمة (با ترجمه فارسی)، محمدی ریشه‌ری، ج ۶، ص ۱۹۲

قسری می‌گویند. مال و ثروت، موجب حرکت قسری در انسان می‌شود؛ اما حدی از مال و ثروت برای گذران معیشت او لازم است. اگر حدی از ثروت نباشد، انسان از آن سوی بام می‌افتد و در این صورت هم به کمال نخواهد رسید. مال بیش از حد، انسان را از کمال باز می‌دارد و بالعکس، مالی که کفاف زندگی را ندهد نیز می‌تواند او را از کمال دور کند؛ لذا فرموده اند: «كاد الفقر أن يكون كفرا»<sup>۷</sup> نزدیک است که فقر، به کفر تبدیل شود. به همین دلیل است که قرآن کریم تأکید دارد که انسان، نصیب خود از دنیا را به مقدار کافی نباید فراموش کند؛ «و لا تنس نصيبك من الدنيا»<sup>۸</sup>

خلاصه این که جنس انسان از جنس دنیا و مال و ثروت نیست و پرداختن بیش از نیاز، به مال و ثروت، انسان را از حرکت به سوی عوالم الهی باز می‌دارد؛ به همین دلیل انسان باید بخشی از مال خود را در راه خدا بدهد تا بار خود را سبک کند و از تعلق خود به دنیا بکاهد. این کار، نه تنها موجب نقص انسان نمی‌شود، بلکه روح او را نیز تعالی می‌بخشد. انسانی که بخل ورزد و مال خود را نبخشد، نه تنها کمال نمی‌یابد، بلکه دچار نقصانی عظیم در روح خود می‌شود و در قیامت نیز دچار عذاب الهی می‌گردد.

---

<sup>۷</sup> الكافي ، جلد ۲ ، صفحه ۳۰۷  
<sup>۸</sup> قصص / ۷۷